سال اول - شماره ۱۰۱ صبح‌چاپ‌شنبه ۱۱ دی‌ماه ۱۳۳۲ نگارنده یکریال

آژیر

دارنده امتیاز و مدیر مسئول
ج. پشیه دری

آژیر روزهای یکشنبه - سه‌شنبه - پنجشنبه منتشر میشود

کریم کشاورز

برای اشتراک

سالیانه ۲۵۰ ریال
ششماهه ۱۴۰ «
برای دوکران و کشاورزان و معلمین
و کارمندان جزء دولتی صدی بیست تخفیف
منظور میگردد

بهای آگهیها بادفتر اداره است

بهای اداره

(...) ... بنجشنبه منتشر میشود

بهای دموکراسی

در میان اینگونه بحرانهای بین‌المللی دودمان به بیرون از اصلاح بنا آمده سامیه اصلاح‌امور بدست کسانی که هوادار منطقه‌ای‌اند هستند غیرمعلوم است . مدة زیادی از هم‌پیمان ما دموکراسی انگلستان را مثل موارد مشابه‌الحال بطل طرفی برای اتکا میکرد ما برای وصول بآن طی کرده است مشاهده شده . هنوز دیگر راه‌های مرکزی را در نظر میگیریم . یکی اعلاب موقتی میخواهد بزرگ‌تر اینکه فکر کند خوی عاده است یا خیر . باضافه اعلاب آیا بالبکه صحت آراء انتخاب خوبین میکنند منظورهای منطقه یک دودمانی دیداری ؟ بشکل خیلی صحت سوء مت است . دمنهٔ دیگر کاربا دارگانان اولیان میتوانند بیرون کنند و اوراق میکنند که دلتوانهای بزرگ که حاظ بین‌المللی اعلاب و انتخابه قوی‌ترین موارد انتخابی این کشور هستند هرگز باید فراموش کنند .

گروهی مامورین دولت را مقصر خواسته و اعتلاب و فسادی را که در دستگاه دولتی رخ داده است علت اطلع نمام دوه ها میدانند و بعضیها قوانین را مقصر میدانند . غافل از اینکه قوانین را و مامینکه کی آیان نمونی کرده و بعلاوه تاثیر قانون بیشتر در طرا اجرای آن است . برخی خیلی عمومی دارند شاهد مسائل تنظیمی داده‌اند . عده کثیری از روستان ما نداشتن آزادی عمل وقایع و اجتماع را در بیست سال اخیر و بدون حق تنقید اعمال دولت راعلت اصلی میشمارد . و بعضوص نبودن احزاب مرکز و حمایی را رشتهٔ دوره ها معصوب میدانند . گمان میکنیم اغلب این حرفها درست است .

عدهٔ آین چیزها دست بهم داده و ما را باین روز انداخته است . شاید سیاهی از هال دیگر هم وجود داشته باشد . البته در رشد اجتماعی اموات بیک چارهاتان کشور و ملتی وجود دارد که رویهمرفته تقدم هم است . ولی همان طوری که در عالم علت موجودی که بالاوجود چرایات بیرون‌ها باشند نمی‌یابید شاید اجتماعی در کشورهم بدون اثر نباشد چرایات ممکن نیست که بی‌علت باشد . شاید سائل انگلستان در نتیجه اوضاع احوال که پاچاوانه داد ناگوان نیرومند و مستعمراتی داشته باشد توانست در دوران قرن اخیر از استعمار خیلی بدست آورد که پاسوت دیگر گروه راهم وادار توانست دوراهال کشور و بخصوص باهالی یکانه که راستیاتیها را تقلیل دهند . بالنتیجه رشد دموکراسی انگلستان در عین عدم اعتراف آزمیتهای و عمومی یک پیچ رشد های را که مصوب بود اراست علی دوده است .

تاکنند نمانده که دامنه دوستگاه دولت ، فقر ، بیماری ، اینها چیز هائی نیست که تنها در کردستان بروید . هر ملتی در یک یا چند دوره زندگی خود دچاراین بلا ها شده است . منتهی باید عوامل اصلی آن مبارزه کرده و غایان آنها رزنده مانده است وامید واهل اقوام اروپائی نیز از این چوب دانده و داوند .

منتهی این خصوصیات ملی دوسا باید توانست شدت مرض هم در وجود ما بی علت نیست .

علت‌ناپذیر داود . اگرما توانستیم دیگر بیماری شناد و کرد و بدانیم مظاهر مرض ما شدت میدارد کمی مثل ملت زنده و مستقل باقی خواهیم ماند . والا ... تاریخ و افراد مثل سیاری و ملتان میدهند که چرا و چرا خرا ظرهای ما ناتوانی باقی نیست بود اقوام و بگر مل شده است .

اما این مبارزه ... این مبارزه ما چرا ارتفاعه شرحاشد استقلال دلیرو آزادی ما لازم است .

چونشدهاند میگن نیرهست . روی اصلی که در این بیان باید بکار برود یعنی اکثریت ملت ، عناصرموافق کشور تجربه است نمودده است . مساد وجود وضع وشوئی علاه مالا موجودند و بدان اشاره شده .

نجات آن و بالنتیجه نجات ایران واستقلال و آزادی آن بود آنها است وابسته است .

این کار با آزادیخواهان شدت وطایه کسانی است که بعقیده ترقی و تکامل جهان هستند .

دلائل اصلاح و اعلاب در خودمان شروع کنیم صاوقه خودمان‌ها ... تعریف سازیم .

دموکراسی ، آزادی ، حکومت ملی حقوق ما هم بدست آوردن مثل معمول هر چیز دیگری صرف ارزش لازم دارد .

اگر آنرا میخواهیم باید فشنگ و یا پیرداریم آزادی و دموکراسی را بیجنگی زیرو هیچ جا نمیتوانند آنرا مساد تنظیمی داده‌اند . عقد آنیری از روستان ما نداشتن آزادی عمل وقایع و اجتماع را در بیست سال اخیر و بدون حق تنقید اعمال دولت راعلت اصلی میشمارد . و بعضوص نبودن احزاب مرکز و حمایی را رشتهٔ دوره ها معصوب میدانند . گمان میکنیم اغلب این حرفها درست است .

عدهٔ آین چیزها دست بهم داده و ما را باین روز انداخته است . شاید سیاهی از هال دیگر هم وجود داشته باشد . البته در رشد اجتماعی اموات بیک چارهاتان کشور و ملتی وجود دارد که رویهمرفته تقدم هم است . ولی همان طوری که در عالم علت موجودی که بالاوجود چرایات بیرون‌ها باشند نمی‌یابید شاید اجتماعی در کشورهم بدون اثر نباشد چرایات ممکن نیست که بی‌علت باشد . شاید سائل انگلستان در نتیجه اوضاع احوال که پاچاوانه داد ناگوان نیرومند و مستعمراتی داشته باشد توانست در دوران قرن اخیر از استعمار خیلی بدست آورد که پاسوت دیگر گروه راهم وادار توانست دوراهال کشور و بخصوص باهالی یکانه که راستیاتیها را تقلیل دهند . بالنتیجه رشد دموکراسی انگلستان در عین عدم اعتراف آزمیتهای و عمومی یک پیچ رشد های را که مصوب بود اراست علی دوده است .

تاکنند نمانده که دامنه دوستگاه دولت ، فقر ، بیماری ، اینها چیز هائی نیست که تنها در کردستان بروید . هر ملتی در یک یا چند دوره زندگی خود دچاراین بلا ها شده است . منتهی باید عوامل اصلی آن مبارزه کرده و غایان آنها رزنده مانده است وامید واهل اقوام اروپائی نیز از این چوب دانده و داوند .

منتهی این خصوصیات ملی دوسا باید توانست شدت مرض هم در وجود ما بی علت نیست .

علت‌ناپذیر داود . اگرما توانستیم دیگر بیماری شناد و کرد و بدانیم مظاهر مرض ما شدت میدارد کمی مثل ملت زنده و مستقل باقی خواهیم

مهمترین

شهر آرزو خواران

سرود ملی اتحاد جماهیر شوروی

[illegible]

پیام رئیس جمهور کلمبیا

تمایلات سال نو

[illegible]

جلسه هوای شورای آمریکا از دلت دی اشگری پاریس

[illegible]

هواپیما های شورای آمریکا و انگلیس و متفاوت از این سب افکنها تقلید کرده‌اند

[illegible]

از دفتر خاطرات زندان

[illegible]

مظنونین و مبارزین

[illegible]

نگارش ج . پ

[illegible]

تفسیر اخبار داخله

ملاقات نمایندگان مطبوعات با دکتر بنش

قصر چهار شنبه ۷ دیماه آقایان عباس خلیلی مدیر اقدام و سعید مورز مدیر مهرایران و دکتر کشاورز مدیر روز مهم و سوسی مدیر روزنامه کشاورز و چند تن از محرین جریده خارجه از آقای دکتر بنش رئیس جمهور پذیرفته و رد کردند .

آقای دکتر بنش پس از اشاره به تقویات ایران و سپاسگذاری از مهمان نوازی ایران راجع به مسائل چندی که مورد به سیاست جاریهٔ جهان و بیک گوئی بود اظهارات بسیار جالب توجه و صریحی بزبان فرانسه نمودند خلاصه ما خلاصه آن را در زیر ذکر می کنیم .

آقای دکتر بنش با این صراحت کاملی اظهار داشتند که آلمان نازی در طی حال ۱۹۱۴ قطعا شکست خواهد خورد .

اصطلاحی که خودشان استعمال کردند این بود :

« بطور ترمیم ناپذیری مغلوب خواهد شد » .

گفتند چون از روسیه میآیم یقین آقایان بنن دارند تا بتوانی را که این مسافرت در من کرده است بدانند .

آزمش خودروی دیگر به از حیث مهمات و نه مواد غذائی و نه وسایل ماموری و نه هیچ امر دیگر کوچکا اطلاع دارم از این رو خود بنن هم که از ملاقات با من مورد سرور شده بود بخصوص که من آنچه را که در روسیه دیده بودم بدون هیچ کم و کاست بعرض رسانیدم و بنن هم از شنیدن حرفهای من بسیار خوشحال شد و بعد از ملاقات با من بنن بسیار خوشحال شد و بعد از ملاقات با من بنن بسیار خوشحال شد و بعد از ملاقات با من بنن

مهمترین خبرهای خارجی

حمله جدید نیروی هوائی بریتانیا

[illegible]

پیشرفت آرتش هشتم همواره ادامه دارد

[illegible]

حمله نیروی هوائی بریتانیا بر شمال فرانسه

[illegible]

اعتصابات جدید ژنرالهای امریکائی

[illegible]

سفیر کبیر انگلیس در انگلیس بانگلترا برگشت

[illegible]

مصرف پوتاژ بدست نیروهای متفقین

[illegible]

سرود ملی شوروی جدید

[illegible]

اخبار تازه

[illegible]

آگهی حراج

[illegible]

خبر رشید ایران

[illegible]

چاپخانه داد تلفن ۶۲۵۸

[illegible]

توجه کریم کشاورز — ۷ — نگارش جون ان برستالی

تاریکی گرتلی

شلا میخواست حتما بیوتا مود مود. اسمش اسم قوی مستر ریگ گفت نباید با شخص ملاقات کند و بیند آنکه ما همه عقلش و تصمیم گرفته بود

شلا سن گفت

« آشنایان ما همه او را ابله بزرگ میدانند ولی خواهرم میتواند گفت مرد احمقی است »

من جواب دادم :

« آری احمق نیست . مقدار او را توجه میکنم میگویم میتوانستم بفهمم همه است باید »

با اطوار داشتم او هم این موضوع دیگران بود . او گفت « من فکر کردم شما باید عقیدت بر ما همه خودم » « ولی اگر آنطور من عقلی اشتباه . خدایا . چقدر هم کمالات آورد همه . شما بعدی . شما هم کمالات آورد »

من جواب دادم :

« آری . » انگلیس گرمتر بروی دست من در آن گرفته و گفت :

« دوروز دیگر . اگر این امر خیلی ناخوش شما در زیر خود خود این مدت را بفهمید به اعراف میگذارید . » آنها تمام اهالی کمالات آورد و غیر ذیل تحمل تصور میکند همه شیلی هیروهای بیتاهای هستند . و با آنان میتوان سوش گذرانید . بگویید سبب چرا همانطور توی چشم من نگاه می کردید ؟

من گفتم :

« میخواستم بیاد آورد که کجا شما را دیده‌ام . »

او پاسخ داد :

« من هم همینطور . ناخاطر . » من میخواهم بگویم که همیشه در این موارد همینطور نگاه میکنند . خوب بیاد ما همه من کنیم باید بود بگو که کجا مرا دیده‌اید . من تا بحال در هندوستان بوده‌اید ؟

من آنجا مرد . . . دوجوانی مرد .

من پرسیدم :

« این اتفاق دوچه تاریخی افتاد ؟ »

او جواب داد

« دوست قبل از جنگ در دیروز . ولی من نمیخواهم از این بیاندیشم صحبت کنم . هیچوقت شما در هندوستان بوده‌اید ؟ »

من گفتم که هرگز نبودم . هر دو ساکت شدیم . او ناگهان پیاده صدایی کشت :

« خوب » من نگاه پرسشانی باو کردم و گفتم :

« خوب کجا چه ؟ » مشارالیها صدا را بلند تر کرده پرسید :

« چرا چشم تو من بر میدارید ؟ » سوزان فکر کنید که تو آنجا اعر بلند مراج برخاسته بود ساوند کرد و قدمهای من جگونوی داشت و گفت « او بیوتا چکار میکند . »

شلا شانه‌ها را بالا داده و روی او ما در گردانند . این حرکت سوزان از او بیوتا بود من نظر گرفت که ده سالی از من کوچکتر است . من خودم هم در آنجا لحظه بی سازی را نگرفتم . و کسانیکه در آنجا بودند نیز گفت .

« بیاید ازاینجا برویم . »

من ملاحظه کردم که حملهٔ ملاک هر دو نوع آنچه را بصورت خواهد حرکت خاست .

چنانکه میدانستم . من بیش خود فکر کردم که بیش خود استم چه را آنکه باید تمام عمل گرفتم و گرفتم . و بعدش میتوانی خاطر بیرون کنید . خواهد آنها بیرون باشد .

من بیرون رفتم گفتم

« هر جا باید جلو بیاید . »

او در وقت ورود حیاتی کلیم او نوردین اتومبیل خود را میکشد .

آنجا فکر کاف دوستی بود .

« بیاید باشی بیاید . »

« گوئی کنید . دوم خواهید . » من است . باضافه شما مستید . »

او گفت

« همانا در حدود من باشی را ، بعید خاطر کرده . باضافه من از کلمات‌ها خوشم میآید . »

من دیگر از این حرفها تعجب شده بودم و وای ترک بین بعد کرد من بطرفی رسید و خود او از حرف او صرفنظر کرده و چنانچه باید زدش . بان روشنائی متکلم بود حرف را به تاریکی داد آورد ولی من موفق بزاوه آوردن این ضربه شدم .

« خوب . زمین افتاد . »

« چه بیشتر سرین کمی صدائی بر آورد . »

« این شخص شیلگی زیبا بود . »

او گفت

« من راضی هستم . » خیلی وقت بود که میخواستم که بلند کسی پیدا شود و خوب باشد صحبت . »

می او را کنار کرده و بطرف در رفت و باو گفتم « شرح این واقعه را بیوستمان خودم برای دوستمان اطلاع بدهید . »

چه بیکسی باطلاق خوابم رفتم . ۲۰ جا خلعت خواب به تن و راحتی‌ها را بیاد کرده و بیشتر از آنچه زده و انکار و جمع کردم . بعد کلوت و بیرنی را که خاص کلیسکی در فطاری راه آهن من داده بود بیاد آورده و از جیب جلیله در آوردم .

این کلمات در آن نوشته بود :

« مهیز جمعیت » « روی نشانی چاپی خط کشیده شده بود و بالایش نوشته شده بود دوم میبا خانه بی بی چاپ » . این همان معلی بود که هوانان و مستر بی بگو زیاد رفت و آمد میکردند .

مهیز جمعیت هر آنجا جلوی داشت . این بانو چنانکه میگفته نوشته و شرکت و خانه‌ها را آنسراز تمو و زیاد اندازه کرد خودم فهمیده بودم زیادسازیت کرده و با دقت تمام همه چیز را بدقت میپیاده .

اما واجع بمستر بریگو . فضا که در باره خودگفت . در واقع این نقب کردن بود . من باور نکردم . همان اندازه که من فهرمان رسمان بازی همه آنان ما تابع فروش هستند و خاندان خراب همه است .

اطلاعاتی که من بدست آورده بودم خیلی ناچیز بود و هنوز با گرتلی آشنا نشده بودم ولی از همین کم هم چنین نتیجه گرفتم که اقدارد هند جاسوس پیچیده را پیدا جرمشاده است . پیش از آنکه بخواهم سه دقیقه بیب را برگرده و تا آخر بخواهم .

همه چیز در شرکت الکتریک چاترتن بعد از ظهر بین رفته‌اند بود و بدل از ظهر زمانتوان گردش شد . شد . برف کثیف در کوچه‌ها آب میشد . ولی هیچ برای گردش بد نبود . در روشنائی روز هم شهر بیچیده به جات توجه مرا نگرد . « انگلیس ناهیر ها برای آن ساخته شده‌اند » تا شلیک هر گز راضی بزندگی در آن نمیشود از آن آب آسمان دوآمدی کند . از یکسو کارخانه معظم چاترتن دیده میشد که طرحها می جرب زمین را افشان کرده بود و معیاری آب و خیابان دادهمن آن آماده‌شده میشد . دور تا دور کارخانه کوچه‌های دراز و کثیف که از دیوارهای خانه‌های آجری ساخته شده بود دیده میشد .

در طرف دیگر خیابانهای وسیعتری ملاحظه میکنند و سی پیوده شده بود که آن را بسیره پیاده‌رو و دوطرف این خیابان خانه‌های جدا جدائی قرار گرفته بود .

قسمت مرکزی دوخیابان مارکت استرید و جمای استریت و میدانی که در محل تقاطع این دو خیابان قرار گرفته بود تشکیل میداد .

این شهرها « اگر خطبه‌ما میخواهید » هدف اصلی وحقیقی بازی از بابان صنایع را دائی میکنند .

این شهرها را یکطوری هنرهوری پیش آمده . از آنی و مناسب ساخته و بر پاشده‌اند تا شایسته هر گز برای جوان و ملاحظه آن هم قدم و نجه نیمرمانیه بتواند در آنجا بیان بعمل بیاورد و اخلاق و کشتی های تاریخی و حکایتها و ماجلان های برای شکار انتباه کرده و زمستان را باین وسیلت کاوش رفته و در آنجا خانوش بگذرانند .

در یک کلمه دیگری مورد مسکن نبود حاضر بشوند در چنین شهر حالی که فاقد بازی و تفریح هر گز هوس بیچاره زندگی کند . ولی انگلیس هایشی چیز میسازند .

ابدهوارد آنان فقط تا روزی که دنیا آخرین روزه هنیاز را بشود این وضع را تحمل کنند و آن وقت تمام این خبر گوچولی هایشی چیز میسازند . و باشکارهای آن تمام کنند حالا بازهای حریص رطبانی در آنجا بلاشامه بعد از جنگ فرباد نفی دوره بنابر خواهند بود و مشکلها ترکنند .

www.iranarchive.com